
فوائد امام غایب

درس چهارم

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

فوائد امام غایب
امام غایب، بسان خورشید پشت ابر



پیش‌درآمد

افزون بر هزار سال است که دست جامعه بشری از دامن پرتوهای ظاهری آخرین پیشوای آسمانی کوتاه است.

آن‌سان که پیش از این نیز یاد شد، همزمان با اعلام غیبت آخرین پیشوای معصوم علیه السلام، برخی این پرسش را مطرح کردند که امامی که غایب است چه فایده‌ای دارد؟ از این رو روایات فراوانی به روشنی تمام، به این پرسش پاسخ داده‌اند.

این پرسش به طور عمده از طرف کسانی مطرح می‌شد که آگاهی چندانی از جایگاه امامت نداشتند. البته با بررسی شؤون امام معصوم علیه السلام و این که چه مقدار از آن با غیبت و پنهان‌زیستی معطل می‌ماند، می‌توان پاسخ این پرسش را تکمیل کرد.

تردید نیست که آخرین حجت الهی در پرده غیبت است. حال به هر دلیلی که امام غایب شده باشد، بخشی از فلسفه وجودی او در هاله پنهان‌زیستی قرار می‌گیرد و مردم از او محروم می‌شوند و آن، بخش مباشرت او در هدایت ظاهری و تشکیل حکومت و اجرای عدالت است؛ ولی هدایت معنوی و با واسطه او به وسیله نمایندگان او برای بیان احکام و اجرای حکومت و عدالت به حال خود باقی است؛ همان‌گونه که در زمان ظهورش گاهی هدایت یا ولایت و فرماندهی بخشی را به نخبگان خود وا می‌گذارد و مردم از آنان بهره‌مند می‌شوند، در زمان غیبت نیز این نمایندگی ادامه دارد و کار نمایندگان، کار امام معصوم است، چه این که آن‌ها از جانب او نصب شده‌اند.

تفاوت بین زمان ظهور و غیبت، فقط از جهت محروم بودن مردم از درک حضور و مباشرت هدایت ظاهری و تصدّی امور است که این به جهتی از جهات - چه بدانیم و چه ندانیم - واقع شده است و مسأله غیبت از مسایل روشن و یقینی معارف اسلامی است که رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن خبر داده است.

افزون بر هدایت معنوی امام، اصل وجود او هم حکمت و لطف است که در نظام حکیمانه الهی وجود او ضرورت دارد. از سخنان معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به دست می آید که نه فقط پدید آمدن مجموعه هستی، بلکه دوام نظام آفرینش، به واسطه وجود انوار مقدّس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بوده است؛ به گونه ای که استمرار وجود موجودات بدون وجود یکی از آنها غیر ممکن است.

باید توجه داشت که اصل وابستگی سایر ممکنات به امام عَلَيْهِ السَّلَامُ و چگونگی آن و مسایل مشابه آن را دانشمندان و عالمان حکمت و عرفان با دلایل عقلی و فلسفی و عرفانی در محل خود اثبات کرده اند؛ چنان که به وسیله وحی و خبر آنان که با عالم غیب ارتباط و اتصال دارند و از غیب عالم و علم کتاب و رابطه نهانی و پنهانی ممکنات با یکدیگر - به اذن الهی و به عنایت و لطف او - مطلع می باشند نیز ثابت است. طبق همین اطلاعاتی که ایشان به ما می دهند، بر فرض که دلیل عقلی مستقلى هم نباشد، به آنچه خبر می دهند اعتقاد می یابیم؛ زیرا برای تحقیق این گونه موضوعات - به ویژه تفصیل آن - راهی مطمئن تر و باوربخش تر از وحی و اخبار انبیا و اوصیای آنها نیست.^۱

در روایات فراوانی به این حقیقت اشاره شده که جهان هستی به برکت وجود انوار پاک معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ آفریده شده است.

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به مولای متقیان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فرمود:

يَا عَلِيُّ! لَوْ لَأَنْحُنُ مَا خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ لَأَ حَوَاءَ وَ لَأَ الْجَنَّةَ وَ لَأَ النَّارَ وَ لَأَ السَّمَاءَ وَ لَأَ الْأَرْضَ...^۲؛

ای علی! اگر ما نبودیم، خداوند، آدم و حوا را و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق نمی کرد...^۲

۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، وابستگی جهان به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، ص ۷.

۲. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۱، ص ۲۶۲.

بدون شكّ به همان میزان که موجودات در هنگام پدید آمدن، نیازمند فیض الهی هستند، در دوام و استمرار وجود نیز نیازمند فیض خداوندی هستند.

در روایات فراوانی پیشوایان معصوم علیهم السلام واسطه‌های فیض الهی معرفی شده‌اند. بدون هیچ توضیحی به روایتی اشاره می‌کنیم که امام صادق علیه السلام از پدرش و او از امام سجّاد علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

ما پیشوایان مسلمین و حجّت‌های خداوند بر جهانیان و سرور مؤمنان و رهبر سپیدجبینان و مولای اهل ایمانیم. و ما امان اهل زمینیم همچنان که ستارگان امان اهل آسمانند. و ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را نگاه‌داشته تا بر زمین نیفتد، مگر به اذن او و به واسطه ما زمین را نگاه‌داشته که اهلس را نلرزاند. به سبب ما باران را فرو فرستد و رحمت را منتشر کند و برکات زمین را خارج سازد. و اگر نبود که ما بر روی زمینیم، اهلس را فرو می‌برد.^۱

پس به سبب وجود امام و پیامبر صلی الله علیه و آله است که نه فقط ما، که جهان هستی از برکت فیض‌های الهی بهره‌مند می‌شوند.

امام صادق علیه السلام درباره حضور حجّت بر روی زمین می‌فرماید:

لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ^۲؛

اگر زمین بدون امام بماند، فرو می‌ریزد.

آن حضرت، در سخنی دیگر به جزئیات بیشتری درباره فواید تکوینی امام اشاره فرموده است:

...بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ وَ أَيْبَعَتِ الثَّمَارُ وَ جَرَتِ الْأَنْهَارُ وَ بِنَا يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ

وَ يَنْبِتُ عُشْبُ الْأَرْضِ وَ بَعَادَتِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ لَوْ لَأ نَحْنُ مَا عُبِدَ اللَّهُ...^۳؛

...به سبب ما درختان میوه می‌دهند و میوه‌ها به ثمر می‌رسند و رودها جاری

می‌شوند، و به سبب ما ابر آسمان می‌بارد و گیاهان از زمین می‌رویند و به بندگی

ما خداوند پرستیده می‌شود و اگر ما نبودیم، هرگز خداوند پرستیده نمی‌شد....

بدین سان بهره‌مندی همه آفریده‌ها از هستی و ادامه وجود، بسته به وجود حجّت روی زمین است.

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۲۲.

۲. شیخ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۱۰.

۳. همان، ص ۱۴۴، ح ۲۳.

البته این نوع بهره‌مندی، ارتباطی به پذیرش یا ردّ امام ندارد و خداوند به واسطه وجود امام، تمام موجودات را بهره‌مند می‌کند.

بنابراین، این دسته از فایده‌ها که تمام هستی را شامل می‌شود ویژه هیچ گروه یا بخشی از موجودات نیست. بر خلاف فایده‌های دسته دوم که به شناخت و معرفت امام بستگی دارد و شامل افراد معتقد به آن حضرت می‌شود.

بنابراین اگر تقدیر خداوند توانای حکیم، چنان باشد که چنان‌که بعضی از فرشتگان، واسطه نزول برخی برکات شده‌اند - فیض‌های عام و خاص به واسطه امام به آفریدگان برسد و امام مجرای فیض باشد، خواه ناخواه وجود و بقای سایر ممکنات که به فیض الهی حدوث و بقا دارند، به مجرای فیض مرتبط خواهند بود. در فرض عدم این مجاری فیض، باز هم فیاضیت خدا - اگر قصور در مفاض نباشد - برقرار است؛ اما می‌توان گفت ممکنات همه آن استعداد را ندارند که بدون واسطه، تلقی فیض کنند و قصور خودشان مانع از کسب فیض مستقیم است.^۱

شکی نیست که تمام آنچه در شأن امام علیه السلام گفته شد، ارتباطی به حضور ظاهری او ندارد و امام غایب نیز مانند امام حاضر، واسطه فیض الهی است.

افزون بر بهره‌های یاد شده، فایده‌های دیگری هست که البته مشروط به اعتقاد و باور به ایشان است. برخی از فواید این بخش بدین قرار است:

۱. نگرهبانی از آیین خداوند با هدایت‌های باطنی

بی‌گمان پیشوایان معصوم علیهم السلام، معلّمان و مربیان اصلی انسان‌ها هستند و مردم، همواره از زلال معارف ناب آن بزرگواران بهره‌ها برده‌اند. در زمان غیبت نیز، اگرچه دسترسی مستقیم و استفاده همه‌جانبه از محضر امام عصر علیه السلام ممکن نیست، آن معدن علوم الهی به راه‌های مختلف، گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می‌کند.

این مهم نه فقط در در دوره غیبت صغرا، با پاسخگویی به پرسش‌های مردم و دانشمندان، از طریق نامه‌های امام که به توقیعات مشهور است، تحقق یافت، بلکه در دوران غیبت کبرا نیز به صورت هدایت‌های باطنی صورت پذیرفت.

۱. ر.ک: صافی گلپایگانی، لطف الله، وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام، ص ۳۷.

بنابراین شکی نیست که بقای مکتب تشیع در گرو حمایت‌های آن امام پنهان بوده است. شیعه بر این باور است که آن حضرت همواره در هنگامه‌های حساس و حوادث تعیین‌کننده، بسان دستی غیبی اراده‌های نقش‌آفرین را در جهت اصلاح امور، هدایت کرده، این باور الهی را از نابودی در پناه گرفته است.

این اصلاحات به طور عمده با هدایت‌های باطنی صورت می‌پذیرد. هدایت‌هایی که گاهی به وسیله شخص امام و گاهی به وسیله دیگران درباره صالحان و شایستگان انجام می‌گیرد. امام از راه باطن، بر نفوس افراد اشراف دارد و آنان را مورد هدایت و تربیت خود قرار می‌دهد. با القاهای نیکو، یا با نگه‌داشتن‌های باطنی، راه برخی از افراد را عوض می‌کند یا آن‌ها را در راه صحیحی که دارند، استوار و ثابت قدم می‌دارد؛ گر چه این هدایت، از دیدگان پنهان است.

چه بسیار افرادی که یکباره از راهی که داشتند، برگشتند و هرگز حاضر نشدند دوباره بدان برگردند و چه بسیار افرادی که در کار خود متزلزل و مردد بودند؛ ولی یکباره در آن مستقر شدند.

۲. نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی

بدون شک باور به امام غایب علیه السلام سبب امیدواری مسلمانان به آینده روشن می‌شود. این امیدواری، از بزرگ‌ترین اسباب موفقیت و پیشرفت است. جامعه شیعی، طبق باور خویش به وجود امام شاهد و زنده، همواره منتظر ظهور آن حضرت است. او را در میان خود نمی‌بیند؛ اما خود را یگانه و جدا از او نمی‌داند. باری، امام پنهان، همواره مراقب حال و وضع شیعیان است و همین مسأله باعث می‌شود پیروانشان به امید لطف و عنایت حضرتش، برای رسیدن به وضع مطلوب جهانی تلاش کنند.

به بیان دیگر، امام - اگر چه غایب - نقطه اتکایی است که پیروان خود را در ورطه‌های نابودی و ناامیدی در حمایت و پناه خود می‌گیرد و بسان پناهگاهی مطمئن پیروان خود را به تلاش و کوشش در راه رشد و تعالی وامی‌دارد.

بنابراین حالت امید و انتظار به آینده از فواید دیگری است که بر وجود آن حضرت مترتب است. بدون تردید جامعه‌ای که به پیشوای زنده - اگر چه غایب - معتقد است،

همواره از فرو افتادن در ناامیدی در امان خواهد بود. و شکی نیست جامعه‌ای که دچار ناامیدی شد، رو به انحطاط خواهد رفت.

امروزه جامعه شیعی، استواری، پویایی و شادابی خود را مرهون این باورمندی می‌داند که از فواید آن امام پنهان به حساب می‌آید.

آری، اوضاع نابسامان و اسفبار جهان و سیل بنیان‌کن ستم و بیداد، خیرخواهان بشریت را نگران کرده است؛ به گونه‌ای که ممکن است گاهی در اصل قابلیت اصلاح بشر تردید کنند. در این صورت، یگانه روزنه امیدی که برای بشر باز می‌ماند و یگانه بارقه امیدی که در این جهان ظلمت‌زده، امید می‌آفریند، همان انتظار فرج و فرارسیدن عصر سراسر عدل حکومت توحید و نفوذ دستورهای الهی است.

۳. ایمنی بخش از بلاها

بدون تردید، امنیت، از اساسی‌ترین نیازهای زندگی است. پدید آمدن رخدادهای ناگوار، همواره این نیاز را مورد تهدید جدی قرار داده، زندگی و حیات طبیعی موجودات را به مخاطره انداخته است.

بخشی از این نگرانی‌ها با کنترل عوامل شناخته شده بر طرف می‌شود؛ اما در موارد فراوانی عواملی ناشناخته و خارج از کنترل، ناامنی‌هایی را بر زندگی تحمیل می‌کند. در برخی روایات، امام و حجت الهی، عامل امنیت زمین و اهل آن، دانسته شده است. امام مهدی عجله الله تعالی فرجه خود فرموده است:

وَ اِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ...^۱

من سبب ایمنی [از بلاها] برای ساکنان زمین هستم.

حجت خداوند و امام معصوم، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفسداتی که انجام می‌دهند به عذاب‌های سخت الهی گرفتار آیند و طومار حیات زمین و اهل آن در هم پیچیده شود.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

قرآن کریم در این باره، خطاب به پیامبر اسلام ﷺ که بزرگ‌ترین حجت الهی است، می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...﴾^۱

[ای رسول ما] تا زمانی که تو در میان ایشان [مسلمانان] هستی، خداوند هرگز آن‌ها را به عذاب [عمومی] گرفتار نخواهد کرد.

حضرت مهدی علیه السلام که نمونه کامل رحمت و مهر پروردگار است نیز به عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آن‌ها دور می‌کند؛ گرچه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری‌گر او را بر سر خود نشانند.

آن گرامی در مقام معرفی خود فرموده است:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي؛^۲

من آخرین جانشین پیامبر خدا هستم و خدای تعالی به واسطه من بلاها را از خاندان و شیعیانم دور می‌کند.

از موارد آشکار این فائده را می‌توان در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و سال‌های پرالتهاب دفاع مقدس، جست و جو کرد. دیده‌ها و شنیده‌ها حکایت از آن دارد که بارها لطف و محبت آن امام بزرگوار بر سر ملت و مملکت سایه افکند و نظام اسلامی و ملت مسلمان و مهدوی را از گردنه توطئه‌های سنگین دشمن عبور داد.

۴. ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه

از روایات اسلامی به دست می‌آید که در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام و در زمان‌های معینی، اعمال انسان‌ها به آن حضرت عرضه می‌شود. این باور خود در ایجاد پروای الهی، و خویشتن‌داری برابر انجام کارها، نقشی بسیار مهم و اساسی دارد.

مرحوم کلینی در کتاب کافی، بخشی را با عنوان «بَابُ عَرْضِ الْأَعْمَالِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»

۱. انفال (۸): ۳۳.

۲. شیخ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۲۴۶.

وَ الْأَئِمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، پدید آورده و در آن روایاتی را یادآور شده که در آن، سخن از عرضه اعمال بر امام زنده هر عصر دارد.

در روایت چهارم این باب، عبدالله بن ابان زینت که جایگاه خوبی نزد حضرت رضا علیه السلام داشت، از آن حضرت خواست برای او و اهل بیتش دعا کند آن حضرت فرمود:

أَوْ لَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُغْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ؛

مگر چنین نمی‌کنم؟ به خدا سوگند اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می‌شود.

عبدالله بن ابان گفت: «از این فرمایش حضرت شگفت‌زده شدم». حضرت در پاسخ فرمود:

أَمَّا تَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾؟ قَالَ: هُوَ وَاللَّهِ عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام؛

مگر کتاب خدا را نخوانده‌ای که فرمود: «و بگو هر کار می‌خواهید انجام دهید؛ پس به یقین خداوند، پیامبرش و مؤمنان عملتان را می‌بینند»؟ فرمود: به خدا سوگند! مقصود از او [= مؤمن] علی بن ابی‌طالب است.

این آگاهی، آثار تربیتی فراوانی دارد و که مهم‌ترین آن‌ها، این است که انسان را به نوعی مراقبت دائمی در رفتار خود و می‌دارد. انسانی که بداند افزون بر خداوند، پیامبران و فرشتگان، امامی زنده نیز وجود دارد که اعمال او بر وی عرضه می‌شود، به طور قطع رفتار خود را با دقت بیشتری انجام می‌دهد.

۵. یاری برخی نیازمندان

جدای از این که در همهٔ حالت‌ها، خود آن حضرت به یاری استمداد کنندگان می‌آید یا این که ملازمان و اولیای او و نیز این که یاری شدن توسط آن حضرت، همراه ملاقات باشد یا نه، شکی نیست که در طول تاریخ غیبت، انسان‌های بسیاری به دست آن حضرت یا ارادهٔ ایشان از سختی‌ها و مشکلات نجات یافته‌اند.

طبق نقل مرحوم طبرسی از سوی حضرت مهدی علیه السلام نوشته و توقیعی برای شیخ مفید صادر شده است که در آن، نکته‌های ارزشمندی درباره فایده یاد شده است. آن‌جا می‌خوانیم:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَأَنَّا نَسِينُ لَذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَأَنَّ ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ
الْأَوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ...!

ما در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را فراموش نمی‌نماییم. اگر این چنین نبود، شر و بدی بر شما نازل می‌شد و دشمنان بر شما چیره می‌گشتند؛ پس تقوای الهی پیشه کنید....

۶. دعای خیر آن حضرت در حق مؤمنان

شکی نیست که امام معصوم علیه السلام از هر پدری و مادری مهربان‌تر است و در همه حال، خوبی‌بندگان خدا - به‌ویژه مؤمنان - را می‌خواهد؛ از این رو همواره برای موفقیت آن‌ها و نیز دوری مصیبت‌ها و مشکلات از آن‌ها، دعا می‌کند. این هم در موارد فراوانی رخ داده است.

۷. تصویب امور سال در شب‌های قدر

طبق برخی روایات، تقدیرات الهی با امضای آن حضرت صورت می‌گیرد. اگر چه در منابع مفصل، فوایدی افزون‌تر از آنچه ذکر شد، مورد اشاره قرار گرفته است، به همین مقدار بسنده کرده، علاقه‌مندان را به کتاب‌های بزرگان ارجاع می‌دهیم. در پایان، مناسب است درباره روایاتی که از آن حضرت با عنوان «خورشید پس ابر» یاد شده، توضیح دهیم.

امام غایب، بسان خورشید پشت ابر

در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام درباره فواید امام غایب، تشبیه زیبایی ذکر شده که در آن، حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت، به آفتاب پشت ابر تشبیه شده است.

نخست، در بیان نورانی رسول گرامی اسلام ﷺ، آن گاه ششمین پیشوای شیعیان، امام صادق علیه السلام و سرانجام در بیانی نورانی از واپسین حجت الهی حضرت مهدی علیه السلام به این تشبیه زیبا، اشاره شده است که به آن‌ها می‌پردازیم:

۱. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر گرامی اسلام ﷺ پرسید: «آیا شیعیان در زمان غیبت قائم از وجود مبارک او بهره‌مند می‌شوند؟» پیامبر ﷺ در پاسخ فرمود:

اَيُّ وَالِدِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوَّةِ اِنَّهُمْ يَسْتَضِيُّونَ بِنُورِهِ وَيَتَتَفَعُونَ بِوِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ
كَانْتَفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ اِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ. يَا جَابِرُ! هَذَا مِنْ مَكْنُونِ سِرِّ
اللَّهِ وَمَخْزُونِ عِلْمِهِ، فَانْتُمُ الْاَوْلَادُ مِنْ اَهْلِهَا!

آری! سوگند به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت! آنان در غیبت او، از نورش روشنایی می‌گیرند و از ولایت او، بهره‌مند می‌شوند؛ همانند بهره‌مندی مردم از خورشید؛ اگرچه ابرها چهره آن را بپوشانند. ای جابر! این از اسرار پوشیده خداوند و از علوم ذخیره شده او است. آن را مخفی کن، مگر از اهلش.

۲. سلیمان بن اعمش از امام صادق علیه السلام و او از امام باقر علیه السلام و او از امام سجاد علیه السلام چنین نقل کرده است که فرمود:

زمین از آفرینش آدم تا کنون و تا همیشه تاریخ، از حجت خدا تهی نخواهد بود؛ خواه حجت حق، ظاهر و آشکار و شناخته شده باشد یا بنا به مصالحی، نهان و پوشیده. تا رستاخیز نیز چنین خواهد بود که اگر جز این باشد، خدای یگانه پرستیده نمی‌شود.^۲

سلیمان می‌گوید: گفتم: «سرورم! مردم چگونه از امام غایب از نگاه، بهره‌ور می‌شوند؟»
حضرت فرمود:

همان گونه که از خورشید زمانی که ابرها آن را می‌پوشانند، بهره می‌برند.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳.

۲. همان، ص ۲۰۷، ح ۲۲.

۳. در توفیق مبارکی که از سوی حضرت مهدی علیه السلام برای اسحاق بن یعقوب صادر شده آمده است:

...وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيْبَتْهَا عَنِ الْإِبْصَارِ
السَّحَابُ...؛^۱

... و اما چگونگی بهره‌مندی از من در عصر غیبتم، درست همانند بهره‌مندی،
از خورشید است؛ هنگامی که ابرها آن را از چشم‌ها بپوشاند....

بی‌گمان این تشبیه، از روی حکمت بوده است؛ از این رو دانشوران شیعه در بیان این تشبیهات نکته‌های ارزشمندی را یادآور شده‌اند که این‌جا فقط به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. خورشید، در منظومه شمسی محور و مرکز است. امام زمان علیه السلام نیز در منظومه زندگی انسان‌ها محور و اساس است.

۲. خورشید، در مجموعه هستی دارای فواید بی‌شماری است که فقط یکی از آن‌ها نورافشانی است. امام زمان علیه السلام نیز در نظام آفرینش دارای فواید بی‌شماری است که فقط فواید اندکی از آن، وابسته به آشکاری او است.

۳. ابر، فقط چهره خورشید را بر زمینی‌ها می‌پوشاند؛ ولی هرگز زمین را تاریک نمی‌کند. پرده غیبت نیز فقط انسان‌ها را از دیدار مستقیم حضرت محروم می‌کند و هرگز مانعی بر نورافشانی او بر مردمان نخواهد شد.

۴. ابری شدن از عوارض زمین و زمینیان است، نه خورشید؛ غیبت نیز نتیجه رفتار انسان‌ها است.

۵. ابر، فقط برای کسانی مانع است که زیر آن باشند. اگر کسی بر جاذبه زمین غالب شد و از ابرها بالا رفت، دیگر ابر مانع او نخواهد بود. در غیبت نیز اگر کسی بر جاذبه‌های دنیایی چیره و غالب شد و آن‌سان که شایسته است، تعالی یافت، ممکن است از پرده غیبت فراتر رفته به دیدار آن خورشید پنهان نایل شود.

۶. در بهره‌مندی از خورشید، میان افرادی که خورشید را باور کرده‌اند با افرادی که منکر او هستند تفاوتی نیست. در بهره‌مندی از فواید تکوینی امام نیز بین منکر و قائل به امام فرقی نیست.

۷. فقط مردمی در انتظار راستین کنار رفتن ابرها به سر می‌برند که به فواید خورشید آگاهی کامل دارند. در دوران غیبت نیز معرفت به امام، باعث حقیقی‌تر شدن انتظار می‌شود.

۸. فقط انسان‌های نابینا از نورافشانی خورشید محرومند؛ همان‌گونه که فقط انسان‌های کوردل منکر نور وجود پیشوای معصوم و از آن بی‌بهره هستند.

بنابراین شکی نیست که میزان بهره‌مندی موجودات از آفتاب عالم‌تاب در زمانی که چیزی حایل نباشد بیشتر و کامل‌تر است؛ اما این بدان معنا نیست که وجود پرده بر روی خورشید، تمام یا بیشتر بهره‌مندی‌ها را از بین ببرد؛ بلکه این مانع، فقط برخی از فواید را از میان برده یا کم می‌کند.

وجود ظاهری امام در عصر حضور و ظهور نیز به معنای آن است که تمام منافع امام می‌تواند به مردم برسد. حال اگر چیزی مانع رسیدن فیض‌های کامل امام به دیگران شود بدان معنا نیست که وجود او بی‌فایده است.

وجود امام در پس پرده غیبت، به همان میزان مفید است که وجود او در زندان‌های حاکمان ستمگر دارای فایده بود. البته بین زندان غیبت و زندان حاکمان مستبد، تفاوت‌های فراوانی است؛ ولی هر کدام به نوعی مانع رسیدن فیض کامل امام به عالم وجود و انسان‌ها می‌شوند.

فشرده سخن این که مسأله غیبت، فلسفه ضرورت وجود امام معصوم علیه السلام را نقض نمی‌کند؛ زیرا امام معصوم در حال غیبت وجود دارد و فواید او هم به دیگران می‌رسد. فقط بخشی از فواید او است که در اثر تقصیر خود مردم در حال غیبت به آنان نمی‌رسد؛ ولی وجود او حجت را بر همگان تمام کرده است و این، خود مردم هستند که می‌بایست با ایجاد آمادگی لازم شرایط را برای ظهور آن حضرت فراهم کنند.



منابع برای پژوهش

۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام، قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵ ش.
۲. جوادی آملی، عبدالله، عصارة خلقت، قم، اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۳. بنی هاشمی، سید محمد، آفتاب در عزیمت، تهران، میقات، ۱۳۸۰ ش.
۴. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۵. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبة الكبرى، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۲ ق.